

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۱۴

صفحات: ۳۹-۶۱

## دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران\*

دکتر محمد حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، گروه علوم سیاسی، ایران، تهران.

سهراب انعامی علمداری

کارشناسی ارشد تحقیق و تفسیر بین المللی، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا.

### چکیده

در جهان امروز دیپلماسی اقتصادی یکی از وجوه دیپلماسی مدرن شده است. قرار گرفتن اقتصاد در مرکز سیاست و قدرت، جابجایی در مولفه‌های تعیین بخش امنیت در سطح جهانی را به دنبال داشته و کشورهای هم‌مون طلب را بر آن داشته تا از این اهرم برای مهار ناامنی‌ها و تنظیم رفتار دولت-ملت‌ها حداکثر استفاده را ببرند. گستردگی حوزه دیپلماسی اقتصادی به گونه‌ای است که توفیق در آن مستلزم شناخت عمیق از تحولات جهانی و الزامات داخلی و هماهنگی همه دستگاه‌های دخیل است. اینکه دیپلماسی اقتصادی چه نقشی در فرایند سیاست‌گذاری و هدایت آن متناسب با شرایط داخلی و خارجی کشور دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های آن برای ارتقای جایگاه ایران در جهان استفاده کرد، پرسشی است که این پژوهش در پی پاسخ به آن است.

### کلید واژگان

دیپلماسی اقتصادی، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی، جهانی شدن اقتصاد.

---

\* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی، دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی که با سفارش و حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به انجام رسیده است که به این وسیله از این معاونت تشکر و قدردانی می‌شود.

## مقدمه

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که ریشه دیپلماسی اقتصادی را باید در روابط گسترده تجاری بین مصر باستان و مناطق غرب آسیا در سال‌های قبل از میلاد مسیح و نیز در آغاز و گسترش استعمار، پس از کشف هند توسط واسکودوگاما در سال ۱۴۹۸ میلادی جستجو کرد.

امروزه به واسطه تغییرات شگرفی که در صحنه جهانی به وقوع پیوسته، از جمله فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تأسیس سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ... شاهد حرکت پرشتاب تجارت و سرمایه‌گذاری و جهانی شدن آن می‌باشیم. بدین ترتیب مسأله تنظیم روابط اقتصادی به مرکز دیپلماسی تبدیل شده و شأنی هم‌تراز با موضوعات سیاسی و امنیتی پیدا کرده است. تا آنجا که هم‌اکنون سهم بالایی از مذاکرات مقامات سیاسی کشورها معطوف به موضوعات و مسایل اقتصادی، تجاری و بازرگانی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک است که به موجب آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم‌رنگتر شده و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد.

با پذیرش نقش و جایگاه نهادهایی بین‌المللی در مدیریت و هدایت فرایند سیاست‌های جهانی، ضرورت ارتباط و گسترش تعاملات با آنان را از سوی دولت‌ها جهت بهره‌مندی از میزان تأثیرگذاری آنان در پیشبرد اهداف و منافع ملی خود اجتناب‌پذیر کرده است و این امر سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های ملی کشورها با اهداف، اصول و برنامه‌های این بازیگران جهانی را در پی داشته است. ارائه چشم‌اندازی مطلوب از کارکرد نظام اقتصاد ملی و برنامه‌های توسعه کشور، تلاش در جهت فراهم نمودن زمینه‌های کاهش خطرپذیری سرمایه‌گذاری در کشور، اولویت یافتن ملاحظات اقتصادی و تقدم منافع ملی با افزایش فعالیت‌های ناظر بر تعاملات دو جانبه و چند جانبه اقتصادی، ارتقاء روابط و همکاری با نهادهای مالی جهانی و منطقه‌ای در جهت بهره‌گیری از جایگاه آنان در فرایندهای مذاکرات و تعاملات جهانی همه در راستای دیپلماسی اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند.

ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند با داشتن ذخایر عظیم گاز و نفت و سایر شاخص‌های اقتصادی بالقوه تاکنون نتوانسته آنگونه که شایسته است از جایگاه مناسب و مطلوبی در عرصه اقتصاد بین‌المللی برخوردار گردد. گذشت زمان نیز موجب از دست رفتن فرصت‌ها و افزایش آستانه تهدید و

آسیب‌پذیری اقتصاد ملی خواهد شد. بنابراین شناخت واقعیات و الزامات جهانی شده اقتصاد، برای کارآمد ساختن سیاست خارجی و فراهم کردن زمینه‌های تعامل موثر و فعال در این عرصه ضروری است. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران که از سوی رهبر معظم انقلاب به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است تصریح دارد که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ شمسی کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

ماهیت هدف‌گذاری مذکور نشانگر انرژی مثبت نظام در جهت‌گیری کشور به سوی آینده و اعتقاد به توان بالقوه کشور در عرصه منابع فیزیکی و انسانی است. دستیابی به هدف کانونی سند چشم‌انداز، نیازمند طراحی و اجرای سیاست‌های متناسب در هر دو حوزه سیاست و اقتصاد در عرصه داخلی و خارجی دارد. سیاست خارجی به عنوان حلقه وصل یک کشور به عرصه بین‌المللی از اهمیت والایی برای رسیدن به اهداف کلان برخوردار است.

#### ۱. مبانی نظری

ظهور نظام اقتصاد سیاسی جهانی و جایگاه ویژه و نقش پر اهمیت مسایل و مباحث اقتصادی و تأثیر آنها بر سیاست در صحنه جهانی و تغییر عمده در ساختار نظام بین‌الملل، تأثیرپذیری سیاست خارجی از قدرت اقتصادی را غیر قابل تشکیک کرده است. از این رهگذر اقتصاد سیاسی جهانی هم هدایت‌گر روند تحولات جهانی شدن و هم تأثیرات گسترده و عمیقی بر روند سیاست‌های ملی، داخلی و جهانی بر جای می‌گذارد. بنابراین سیاست خارجی کشورها را با چالش‌های موجه می‌سازد که آنها را ناگزیر به بازتعریف راهبردها و ابزارهای سیاست خارجی می‌کند، چرا که هسته مرکزی اقتصاد سیاسی بین‌الملل را کنش متقابل میان عوامل سیاسی و اقتصادی و نیز تعامل میان سطوح ملی و بین‌الملل سیاست‌گذاری تشکیل می‌دهد.

از این رو بیشتر حجم ادبیات موجود در این زمینه نیازمند درک سازنده‌ای از کنش متقابل میان

سطوح مختلف تحلیل است. براین مبناء، «آیکن بری»<sup>۱</sup> رویکردهای سیستمی، جامعه محور و دولت را برای تبیین سیاستگذاری‌های اقتصاد خارجی پیشنهاد می‌دهد و «جیمز ای کاپورا» و «دیوید پی لوین» در کتاب «نظریه‌های اقتصاد سیاسی»<sup>۲</sup> به رویکرد عدالت محور در حوزه اقتصادی سیاسی می‌پردازد که در زیر به صورت موجز به اصلی‌ترین شاخص‌های هر یک از نظریات مرتبط پرداخته می‌شود.

## الف. نظریات درباره دیپلماسی و همکاری‌های اقتصادی

### (۱) نظریه واقعگرایی

واقعگرایان اساس دیپلماسی را پیشینه‌سازی قدرت یک دولت-ملت می‌دانند و دیپلماسی اقتصادی را ابزاری می‌دانند که از طریق توزیع دستاوردهای اقتصادی به افزایش قدرت سیاسی کمک نماید، اگر چه هر گونه توفیق در عرصه دیپلماسی اقتصادی را موقوف به برتری قدرت نسبی طرف مذاکره می‌دانند، به عنوان نمونه در اختیار داشتن اهرم‌هایی چون کنترل و یا دسترسی به بازارهای بزرگ و یا منابع مالی می‌تواند ورق را به نفع قدرتمندان برگرداند. (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۱۵-۱۱۲)

### (۲) نظریه ثبات مبتنی بر سیطره

نظریه ثبات مبتنی بر سیطره، توفیق در همکاری‌های اقتصادی را مستلزم وجود یک قدرت مسلط می‌داند. بدون وجود قدرت قاهره مسلط، حصول اطمینان از گردن نهادن کشورها به رژیم‌های تأسیس شده امکان ندارد. فی‌الواقع این نظریه برای توضیح چگونگی ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی تحت سیطره آمریکا در نظر گرفته شده است. در مواردی که مذاکرات اقتصادی و برپایی رژیم‌ها توسط قدرت‌های بزرگ اقتصادی و به رهبری آنها صورت می‌گیرد، نظریه ثبات مبتنی بر سیطره را می‌توان برای درک بهتر مفاهیم در مطالعه دیپلماسی اقتصادی به کار گرفت. اما نکته اینجاست که در شرایط امروز، کشوری که بتواند به تنهایی نقش قدرت مسلط را ایفا نماید تردید وجود دارد.

### (۳) نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل نیز می‌کوشد با ارجاع رویدادها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به قدرت نسبی در

<sup>۱</sup> - Ikenbery

<sup>۲</sup> - Political Economy Theories

روابط بین‌الملل، قوانین بازی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را به سایرین تعمیم دهد. اگر چه نظریه وابستگی به طور خاص برای توضیح توسعه نیافتگی ارائه شده است، لیکن باید یادآور شد که کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فقدان قدرت و منابع مورد نیاز برای اعمال نفوذ در اقتصاد جهانی، ممکن است پیشاپیش از دستیابی به اهداف و برنامه‌های اقتصادی خود باز بمانند. از این رو نظریه پردازان وابستگی، نظریه بین‌الملل را صرفاً با دیدی اقتصادی می‌نگرند و مدعی‌اند که روابط بین‌الملل حاکی از توزیع عادلانه کالاهای اقتصادی است و نظام کنونی اقتصاد جهانی مولد توسعه طبیعی کشورهای سرمایه‌داری است که از طریق انحصار مراکز تولید، سرمایه مازاد مناطق پیرامونی را به جامعه خود منتقل کرده و نوعی رابطه وابستگی ساختاری را علیه این کشورها ایجاد کرده است. دیپلماسی اقتصادی نیز با اشاعه تجارت آزاد روابط نابرابر گذشته را تداوم بخشیده و بافت سلسله مراتبی اقتصادی گذشته را حفظ می‌کند. (چیلکوت، ۱۳۷۵: ۷۲)

#### ۴) نظریه نظام جهانی

نظریه نظام جهانی والراشتاین بر اساس دو شاخص اصلی قابل تبیین است:

الف) بر اساس تمدن‌های بزرگ و امپراتوری‌های جهانی

ب) نظام‌های اقتصادی جهانی

والراشتاین شکل‌گیری نظام جهانی را مترادف با پیدایش سرمایه‌داری و روابط تولیدی خاص می‌داند که با سازماندهی تولید همگانی و ایجاد طبقه کارگر و نیز انباشت سرمایه در اروپا، سایر اقتصادها را ضمیمه خود کرد. (Wallenstein, 1989: 32)

نظام سرمایه‌داری از سه جزء به هم پیوسته شکل گرفته است، جوامع مرکز که به پیشرفته‌ترین فعالیت‌های اقتصادی با فناوری‌های مدرن مجهز هستند، جوامع پیرامونی که تولید کننده مواد خام برای صنایع جوامع مرکز می‌باشند، جوامع نیمه پیرامونی متشکل از کشورهایی است که برخی از فعالیت‌های اقتصادی آنها شبیه مرکز و پاره‌ای دیگر به پیرامون شباهت دارد. این دسته از کشورها به عنوان واسطه بین مرکز و پیرامون عمل می‌کنند و نقش پل ارتباطی و تعدیل کننده نظام جهانی را عهده‌دار هستند و در بسیاری از موارد عامل انتقال سرمایه بین مرکز و پیرامون می‌باشند. رویکرد جامعه محور، همسو ساختن منافع داخلی و بین‌المللی را یکی از ویژگی‌های دیپلماسی اقتصادی می‌داند. از این زاویه عوامل

داخلی در فرایند تصمیم‌گیری‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس گروه‌های ذینفع در سطح ملی برای شکل دادن به سیاست‌های ملی در زمینه تجارت، پول و سایر موضوعات با هم رقابت می‌کنند و حکومت یک کارگزار می‌داند که تابع برآیند فشار گروه‌های ذینفوذ و ذینفع می‌باشد که به

دنبال بیشینه ساختن مطلوبیت‌های خود که همانا کسب قدرت است می‌باشد. (Skocpol, 1984: 6)

تمرکز رویکردهای دولت محور بر ساختارهای سازمانی تصمیم‌گیری‌های دیپلماسی اقتصادی قرار دارد و میزان تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها، شاخصی برای تعریف دولت به قوی و ضعیف می‌باشد، هر چقدر اختیار تصمیم‌گیری بین سازمان‌های دولتی، تقنینی و دولت‌های فدرال تقسیم شده باشد، از نظر آقای کنزشتاین دولت ضعیف می‌باشد مثل آمریکا، از این منظر علیرغم مزیت نسبی قدرت اقتصادی آمریکا، می‌توان این کشور در زمره مذاکره‌کنندگان ضعیف در بخش تجارت ارزیابی کرد.

(Krasner, 1978: 337) در نقطه مقابل کشور ژاپن به دلیلی تمرکزگرایی شدید در عرصه

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، دولت نسبتاً قوی تعریف می‌شود.

در نظریه‌های عدالت محور، اصول اساسی قضاوت کردن در مورد نهادها مقدم بر کنکاش سیاسی و محاسبه اقتصادی است، این رویکرد نافی مداخله دولت در زندگی اقتصادی بر مبنای عدالت و حقوق مالکیت است چون یک اقتصاد مبتنی بر بازار شامل یک نظام با پذیرش اصل روابط مالکیت می‌باشد در نتیجه، فضایی برای مداخله دولت وجود ندارد یا کمتر هست. دولت تنها از طریق نقض حقوق مالکیت و باز توزیع مالکیت می‌تواند در امور بازار مداخله کند. از سوی دیگر دولت بر این باور است که تصمیم‌های شخصی افراد در مورد چگونگی استفاده از دارایی‌هایشان باید تابعی از اصول و ضوابط تعیین شده توسط دولت باشد، انگیزه دولت این است که تضمین کند که دارایی فقط در دست کسانی باشد که آن را از طریق قانونی به دست آورده باشند، در غیر این صورت دولت ناگزیر از طریق وضع قانون، نقض‌های موجود را بر طرف کند. (Nozick, 1987: 752)

آنچه از این نظریات می‌توان استنباط کرد این است که هر یک از آنها بر وجوهی از نقش اقتصاد و دیپلماسی اقتصادی تأکید دارند و سایر وجوه و ابعاد دیپلماسی اقتصادی را نادیده می‌انگارند. بنابراین برای ارائه یک تحلیل منطقی و دارای جامعیت نیاز به انتخاب یک رویکرد تلفیقی جامع‌نگر وجود دارد تا

در پرتو آن یافته‌های تحقیق به درستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ب. دیپلماسی اقتصادی: مفهوم، مؤلفه‌ها و کارکردها

#### ۱) مفهوم دیپلماسی اقتصادی

«دیپلماسی اقتصادی»<sup>۱</sup> با اقتصاد سیاسی و دیپلماسی بازرگانی دارای حوزه‌های مشترک مفهومی زیادی می‌باشد، اقتصاد سیاسی بر وجود دو نهاد بازار و دولت و تعامل متقابل آنها با یکدیگر با هدف تأمین نیازهای شخصی و رفاه اجتماعی در چارچوب بازار تأکید دارد و سیاست را ابزاری می‌داند که کمک می‌کند به آنچه که از طریق بازار به طور معمول و طبیعی قابل دستیابی نمی‌باشد. دیپلماسی اقتصادی در برخی موارد پیش‌برنده دیپلماسی بازرگانی خوانده می‌شود. این ایده در دهه‌های پنجاه تا هفتاد به واسطه ملی شدن صنایع در بسیاری از کشورها و موظف شدن دیپلمات‌ها برای بازاریابی تولیدات صنایع ملی شده، گسترش یافت. (Rosenau, 2006: 33)

در عین حال تعریف واحد از دیپلماسی اقتصادی کاری بس مشکل است اما می‌توان تنظیم و پیش‌برد سیاست‌های مرتبط با تولید، انتقال و مبادله کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها را موضوع دیپلماسی اقتصادی دانست، فی‌الواقع، کارکردی نمودن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور، دیپلماسی اقتصادی معنا می‌نمایند.

#### ۲) مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی

الف) حاکمیت نگرش اقتصادی در سیاست خارجی: پذیرش نگاه اقتصادی و محور قراردادن اقتصاد در تحولات نظام اقتصاد سیاسی جهانی از جمله الزامات تعامل با جهان است. حاکمیت نگرش اقتصادی منافع جدیدی در منطقه و جهان در پرتو استفاده از فرصت‌ها و خلق فرصت‌های جدید برای کشور به دنبال خواهد داشت.

ب) سیاست‌گذاری سیاست خارجی با مرکزیت اقتصاد: در صورت توجه به این مؤلفه اساسی فرصت برای استفاده و بهره‌گیری از سرمایه و تکنولوژی خارجی، جذب سرمایه‌های خارجی، دستیابی به بازار گسترده

<sup>۱</sup> - Economic Diplomacy

جهانی، کاهش بسیاری از هزینه‌های تولید فراهم خواهد شد.

پ) پیوند دادن اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی: دیپلماسی اقتصادی مانع از تقلیل ایده و کارکرد اقتصاد به درون جامعه ملی خواهد شد و از سوی دیگر زمینه حضور در بازارهای جهانی، استفاده از قواعد و هنجارها و روش‌های نوین در زمینه اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، تجارت الکترونیکی، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری و فعالیت در مجامع اقتصادی بین‌المللی را موجب خواهد شد.

ت) وابستگی متقابل اقتصاد و سیاست: ساختار نظام اقتصاد سیاسی جهان بر ساز و کارهای تدوین و اجرای سیاست خارجی و مسائل و مباحث داخلی به طور شگرفی تحت تأثیر قرار داده و فرایندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به ویژه اقتصادی در سطح ملی و فراملی را به هم مرتبط کرده است. (امینی و انعامی علمداری، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

### ۳) کارکردهای دیپلماسی اقتصادی

الف) تغییر رفتار دولت‌ها: دیپلماسی اقتصادی یکی از تکنیک‌های مؤثر در اجرای سیاست خارجی به شکل حربه‌های مالی، تجاری و تکنولوژیک است. استفاده از حربه اقتصادی تنها به منظور تأمین اهداف اقتصادی نیست بلکه برای مهار و کنترل سیاسی و نظامی دولت‌ها در دوران جنگ و صلح مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) جهت دادن به سیاست‌های اقتصادی کشورها: کشورهای بزرگ و قدرتمند از طریق دیپلماسی اقتصادی تلاش دارند تا با تأسیس نهادهای جدید و مؤثر اقتصاد بین‌المللی و منطقه‌ای علاوه بر تحقق فعایت‌ها، اهداف و منافع ملی خود، اهداف و منافع دیگر کشورها را با خود همسو نماید و از شکل‌گیری منافع رقابتی و متعارض جلوگیری نمایند.

پ) جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در فرایند رشد و توسعه کشور به ویژه کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. این سرمایه‌گذاری‌ها موجب افزایش ظرفیت تولید، کارایی اقتصادی از طریق انتقال تکنولوژی، دستاوردهای فنی و مدیریتی می‌گردد. ت) اصلاح قوانین و مقررات برای رشد، ثبات و توسعه اقتصادی کشور و استفاده بهینه از توانمندی‌های اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی است.

ث) دیپلماسی اقتصادی بایستی از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و منابع اقتصادی به صورت پاداش و مجازات و یا



تشویق و ترغیب در رابطه با سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی جهت پیگیری و تأمین منافع ملی کشور، به‌ویژه منافع اقتصادی، تجاری و تأثیرگذاری بر نتایج مبادلات بین خود و دیگران استفاده نماید. البته برخی دیگر کارکردهای مهم دیپلماسی اقتصادی عبارت است از: (ت) کمک به ثبات سیاست‌های پولی و مالی؛ (ث) کاهش یا حذف دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی؛ (ج) تقویت بازارهای مالی و آزادسازی سرمایه؛ (چ) تقویت سیاست اعتمادسازی در روابط خارجی؛ و (ح) ایجاد زیرساخت‌های اقتصاد. (معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

## ۲. مبانی دیپلماسی اقتصادی ایران

در شرایط جهانی شدن اقتصاد، دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش آسیب‌پذیری‌ها از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. در دورانی که دغدغه‌های اقتصادی اولویت اصلی سیاست‌گذاری دولت‌ها در مزرهای غیر قابل تفکیک داخلی و خارجی یا ملی و بین‌المللی را تعیین می‌کنند، کسب منافع اقتصادی در دیپلماسی اهمیت ویژه‌ای یافته است و با شتاب گرفتن هر چه بیشتر اقتصاد جهانی، کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد یعنی به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصاد کشورها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و ابزارهای لازم برای ایجاد محیطی مناسب جهت رشد و توسعه اقتصادی از یکسو و پیشبرد اهداف و منافع ملی از سوی دیگر را فراهم کرده است. (Sane and Yia, 2002: 22)

با این وجود، ساختار اقتصادی ایران علیرغم برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. از این رو مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقاء منزلت ایران در اقتصاد جهانی، نگاهی برون‌گرایانه با هدف پیوند سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این امر افزون بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و توجه آنها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر و فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی، مستلزم فعال شدن دیپلماسی اقتصادی است که برخی از اصول آن عبارتند از:

### الف. بهره‌گیری مطلوب از ابزارهای اقتصادی در چانه‌زنی‌ها

دستگاه دیپلماسی کشور باید در مذاکرات و فعالیت‌های دیپلماتیک خود توجه به ابزارهای اقتصادی

در عصر وابستگی متقابل پیچیده داشته باشد.

#### ب. حل مسایل و مشکلات موجود در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ اقتصادی

نقش قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و ... را در اقتصاد و تجارت جهانی نمی‌توان نادیده گرفت. حل مشکلات سیاسی موجود ایران و کشورهای مذکور کمک بزرگی به رونق اقتصادی ایران به لحاظ از بین رفتن تحریم‌های اقتصادی، جذب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و موسسات مالی و اعتباری کمک کرده و نقش فعال‌تری در سازمان‌های بین‌المللی مالی، اقتصادی و ... به ایران می‌بخشد.

#### پ. گرایش بیشتر دیپلماسی ایران در خارج از کشور به مسایل اقتصادی و تجاری

با توجه به غالب شدن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی و ضرورت به کارگیری دیپلماسی نوین اقتصادی، نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور باید به طور راهبردی و برنامه‌ریزی شده برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بازاریابی و فراهم کردن بستر همکاری‌های اقتصادی و تجاری با دیگر کشورها فعالیت کنند.

#### ت. تلاش دستگاه سیاست خارجی برای عملی ساختن طرح‌های اقتصادی و تجاری

لازم است که دستگاه سیاست خارجی با رایزنی و ابتکار عمل به عملی شدن طرح‌های اقتصادی مانند طرح انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز به خلیج فارس و هند و پاکستان، طرح کریدور ترانزیتی شمال - جنوب و انتقال نفت آسیای مرکزی به اروپا که ایران را به مرکز نقل تجاری، ترانزیتی و انرژی جهان تبدیل می‌سازد.

#### ث. برقراری ارتباط سازنده بین دستگاه سیاست خارجی و دستگاه‌های اقتصادی و تجاری

در این زمینه مهم‌ترین نکته ای که باید به آن اشاره کرد، ضرورت هماهنگی و همکاری همه جانبه این دستگاه‌های مختلف است. چرا که بدوم وجود این هماهنگی و همکاری هر تلاشی در زمینه توسعه دیپلماسی اقتصادی بی‌فایده خواهد بود.

### ۳. الزامات دیپلماسی اقتصادی ایران

عموماً دیپلماسی در اثر تغییر و تحول روابط بین‌المللی دگرگون می‌شود. زیرا وقتی روابط و مناسبات بین‌المللی تغییر می‌کند، ابزارها و سازوکارهایی که کشورها برای تنظیم و مدیریت تعاملات خود جهت تأمین منافع‌شان به کار می‌گیرند نیز متحول می‌گردد. بعد از جنگ جهانی دوم ابعاد اقتصادی و تجاری، اهمیت پیدا کرد و موجبات تغییر در دستور کار دیپلماسی سنتی فراهم نمود به گونه‌ای که تأمین منافع ملی بدون مدیریت امور اقتصادی، تجاری و مالی داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر نبود.

انقلاب ارتباطات و اطلاعات و فرایند جهانی شدن سازمان و ساختار روابط اقتصاد بین‌المللی را دگرگون ساخته و ماهیت سیاست و حکومت در کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که حکومت‌ها با شبکه‌ای از روابط درهم تنیده و انواع مختلفی از وابستگی‌های متقابل در سطح فراملی و فروملی مواجه که در حاکمیت و کارکردهای انحصاری دولت‌ها را به چالش طلبیده است.

(Rosenau, Op.Cit.: 37)

در چنین فضایی امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد و وجوه امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. تأمین امنیت ملی بدون قدرت و توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست، از این رو، کشورها در رقابت شدیدی برای کسب منافع و دستاوردهای اقتصادی به سر می‌برند. آنان با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا سرمایه مستقیم خارجی را جذب نمایند. با سایر کشورها مذاکره می‌کنند تا به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند. از سوی دیگر تلاش می‌کنند تا بازارهای داخلی خود را در برابر نفوذ و رسوخ بی‌رویه جهانی محافظت و به طور همزمان و توأمان، سعی دارند برای شکل دهی به نهادها و سازمان‌های هنجارساز و تنظیم کننده مقررات و مناسبات اقتصادی، تجاری و مالی با دیگر کشورها در قالب موافقت‌نامه‌های اقتصادی و در چارچوب نهادها و سازمان‌های اقتصادی همفکری و همکاری می‌نمایند. فراتر از این، نقش آفرینی بازیگران اقتصادی غیر دولتی و شرکت‌های چند ملیتی در عرصه اقتصاد و سیاست داخلی و

بین‌المللی نیز بسیار افزایش یافته است. (Burt and Rbinson, 1999: 17)

بنابراین، تدبیر و تنظیم روابط و امور اقتصادی - تجاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و وجوه دیپلماسی در قالب دیپلماسی اقتصادی - بازرگانی ضروری و حیاتی می‌باشد. زیرا، در روابط بین‌الملل پیچیده و جهانی شده، ایران برای هدایت و مدیریت این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها نیاز مبرم و وافی

به تخصص و تجربه و مهارتی که از تبدیل رقابت‌ها و منازعات اقتصادی بالقوه به خشونت، هرج و مرج سیاسی و جنگ، جلوگیری و پیشگیری نماید و توأمان بتواند دسترسی آزادانه جمهوری اسلامی ایران را به بازار سرمایه و منافع منطقه‌ای از طریق رفع موانع و محظورات اقتصادی و خارجی تأمین کند به شدت نیازمند است.

از این رو هدف دیپلماسی اقتصادی تأمین توسعه اقتصادی و تأثیر گذاری بر سیاست‌های اقتصادی دو و چند جانبه از طریق هماهنگ ساختن فعالیت‌های وزارتخانه‌های تخصصی، هنجارسازی و شکل‌دهی به فرایند مذاکره و مبادله در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای چون تجارت جهانی و اوپک و به کارگیری نهادهای غیر دولتی در زمان مناسب و موثر و پایش تحولات و سیاست‌های سایر کشورها جهت تأثیرگذاری بر آنها و حمایت و ایجاد تسهیلات و امکانات لازم برای شرکت‌های اقتصادی فعال در خارج می‌باشد. با این توصیفات الزامات دستیابی به اهداف دیپلماسی اقتصادی برای ایران چنین است:

#### الف. درک و شناخت تغییر و تحولات منطقه‌ای

اولین الزام و پیش شرط اتخاذ و اعمال موفقیت آمیز یک دیپلماسی، درک و سپس شناخت تغییر و تحولات رخ داده در منطقه و جهان است چون برای مدیریت و هدایت موفق تغییر و تحولات به عنوان جوهر دیپلماسی، درک آن توسط تصمیم گیرندگان و هدایت کنندگان و مجریان دیپلماسی می‌باشد.

#### ب. شناخت منافع ملی خود و دیگران

یکی از مهمترین ابعاد و کارکردهای دیپلماسی، مدیریت و کارگردانی منافع متضاد و متعارض و رفع این تضادها، تعارضات و منازعات از طریق مذاکره و مصالحه و چانه زنی است.

#### پ. استفاده بهینه از قدرت نرم

استفاده بهینه و مطلوب از قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر جوامع و ملت‌های منطقه نیز یک الزام است. قدرت نرم گاهی مترادف با قدرت مدنی، قدرت هنجاری، قدرت اقناعی و قدرت انگاره‌ای نیز به

کار می‌رود البته وجه مشترک همه این اشکال و انواع قدرت تأکید بر تأثیر و نقش عوامل و عناصر غیر مادی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. از این رو منابع قدرت نرم، عوامل و عناصر غیر مادی چون هنجارها، ارزشها، انگاره‌ها، ایدئولوژی و گفتمان انقلابی-اسلامی و نهادهای سیاسی، اعتبار و شهرت، اخلاق و فرهنگ ایرانی-اسلامی هستند. (روحانی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

#### ت. چندجانبه‌گرایی

تغییر و تحولات شگرف در مناسبات و روابط جهانی و منطقه‌ای در اثر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مدیریت و هدایت یک و دو جانبه دیپلماسی برای کلیه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را غیر ممکن ساخته است. بنابراین ایران در عصر جهانی شدن باید رویکرد و رهیافت چند جانبه به امور بین‌المللی و منطقه‌ای داشته باشد.

#### ث. اعتماد سازی

یکی دیگر از الزامات دیپلماسی ایران اعتماد سازی است. اعتمادسازی، فرایندی است که برای افزایش و ارتقای ثبات در روابط و مناسبات ایران و کشورهای منطقه به ویژه کشورهای دوست و همسایه لازم و ضروری است. کانون و جوهر اعتمادسازی شفافیت و شفاف سازی اهداف، نیات و اقدامات می‌باشد که رفتار کشورها در هنگام منازعه را تنظیم می‌کند و به تقلیل عدم اطمینان دو طرف در زمینه‌های تصاعد سطح مناقشه و بحران می‌انجامد.

#### ج. جلب همکاری سایر وزارتخانه و دستگاهها

در عرصه ارتباطات و اطلاعات و روابط بین‌الملل جهانی شده، اعمال و اجرای موفق و مطلوب دیپلماسی تنها از طریق وزارت امور خارجه امکان‌پذیر نیست. بلکه با توجه به توسعه و گسترش قلمروی دیپلماسی و شکل‌گیری از اشکال و انواع آن مدیریت و هدایت مسائل و موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بسیار تخصصی و حرفه‌ای شده است.

### ج. هماهنگی بین کارگزاری‌های مختلف

هماهنگی دیوان سالاری‌های فعال در حوزه دیپلماسی کشور در سه سطح گفتمانی، ساختاری و کارکردی لازم و ضروری است. در سطح گفتمانی، کلیه کارگزاری‌ها و وزارتخانه‌ها باید از یک نظام معنایی و انگاره‌ای یا گفتمان واحد برخوردار باشند. وحدت گفتمان لازم است اما کافی نیست، از این رو اعمال دیپلماسی موفق، مستلزم وحدت ساختاری نیز می‌باشد. یعنی کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها بر پایه نقش، جایگاه و کارکرد تعیین شده در سلسله مراتب تصمیم‌گیری به ایفای نقش و وظیفه خود پردازند.

### ح. سرمایه انسانی توسعه یافته

اعمال و اجرای موفقیت‌آمیز دیپلماسی نوین، متضمن و مستلزم نیروی انسانی توسعه یافته است. از این رو در اختیار داشتن دیپلمات‌های حرفه‌ای، متخصص، ماهر و با تجربه و در عین حال متعهد وفادار به ارزش‌های اسلامی انقلابی یک الزام است.

### خ. توسعه ابزاری - اطلاعاتی

دیپلماسی امروزی نیازمند ابزارهای توسعه یافته و پیشرفته ارتباطی و اطلاعاتی است. اجرای دیپلماسی عمومی، مجازی و رسانه‌ای بدون به کارگیری رایانه، ماهواره، رسانه‌ها، مطبوعات، اینترنت و ... امکان‌پذیر نخواهد بود. (گنجی دوست، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

### د. هماهنگی سیاست داخلی و خارجی

گزاره مشهور «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است»، امروز بیش از هر زمان دیگری صادق و ثابت است. مرزبندی بین سیاست‌های داخلی و خارجی با توجه به دهکده جهانی و اقتصاد جهانی شده اگر فاقد کارایی نباشد، لاقول دیگر مانعی در برابر پیشرفت اقتصادی نیست.

### ۴. ظرفیت‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

#### الف. ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته و تلاش‌ها و تحولات

چشم‌گیری را شاهد بوده است. تجارت خارجی از یک سو به دلیل برخورداری از فرصت ایجاد و تحکیم روابط مطلوب در مناسبات بین‌المللی و از سوی دیگر، به عنوان زمینه‌ای در جهت افزایش وابستگی‌های بازرگانی، یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار اقتصادی در عرصه سیاست خارجی تلقی می‌شود. از این رو، کشورها تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های معقول و سنجیده در تجارت خارجی نه تنها از طریق گسترش روابط بین‌الملل موجبات کاهش تهدیدات خارجی و افزایش امنیت ملی خود را فراهم نمایند، بلکه با تعیین سطح بهینه‌ای از واردات و صادرات، نسبت به تنظیم تراز بازرگانی و برخورداری از درآمدهای ارزی و بازارهای جهانی در مسیر توسعه‌یافتگی، بیش از پیش گام بردارند. در این راستا آگاهی از نیازهای واقعی و توانایی‌های داخلی و نیز شناخت از مزیت‌های نسبی از شروط لازم در شکل‌گیری تجارت خارجی و کارآمدی دیپلماسی اقتصادی خواهد بود.

#### **ب. موانع و محدودیت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران**

(۱) تحریم‌های اقتصادی؛ تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، از ابتدای انقلاب اسلامی آغاز گردید و تاکنون در ابعاد گوناگون و سطوح متفاوتی پیگیری شده است. تحریم اقتصادی با هدف بازدارندگی و اصلاح رفتار ایران و محروم کردن این کشور از تکنولوژی مدرن است. قانون داماتو و دیگر قوانین و مصوبات کنگره آمریکا و اعمال محدودیت و مجازات علیه شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی، اقتصادی از جمله موانع اصلی جلب سرمایه‌گذاری خارجی در سطح کلان بوده است. با وجود این شرکت‌های خارجی به ویژه در بخش نفت و گاز تمایل به ادامه همکاری با ایران دارند. (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۸۰)

(۲) قراردادن ایران در زمره کشورهای حامی تروریسم از سوی آمریکا، مانع مهمی بر سر راه جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی است.

(۳) اقتصاد ملی ایران در تعامل با نظام اقتصاد جهانی دچار برخی مخاطرات و تهدیدات نرم‌افزاری قرار دارد. مهم‌ترین منبع درآمد ارز ایران از طریق نفت به دست می‌آید که بازارهای جهانی و تحولات آن در تعیین و پیش‌بینی قیمت نفت تأثیرگذار هستند. وابستگی قریب به ۸۰ درصدی اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی نفت سبب می‌گردد تا هر نوع تنش در روابط خارجی و یا نظام اقتصادی جهانی، پیشبرد اهداف و منافع ملی و کارکرد دیپلماسی اقتصادی را با وضعیت نامطمئن روبرو کند.

۴) وابستگی به تحولات قیمت نفت آسیب‌پذیری جدی برای اقتصاد کشور در پی دارد. نیاز کشور به واردات کالاهای اساسی، کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه تولید و ارتباط مستقیم هزینه‌های بین‌المللی و داخلی کشور با قیمت جهانی نفت، سطح تهدیدات امنیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد. (سلطانی، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۷)

۵) هر گونه انزوا در اقتصاد جهانی ارادی و یا تحمیلی ضریب نرم‌افزاری قدرت و منافع ملی را کاهش داده و فشارهای غرب و آمریکا را علیه ایران تأثیر گذارتر می‌سازد.

۶) کاهش نقش دولت در اقتصاد و ارتقای سطح خصوصی‌سازی اقتصادی، اصلاح بازار، تنوع اقتصادی و کاهش اتکا به نفت شرط لازم دیپلماسی اقتصادی است.

۷) پیشی گرفتن حجم واردات از صادرات غیرنفتی بیانگر حضور کم‌رنگ ایران در تجارت جهانی و نادیده گرفتن سرمایه‌گذاری در این حوزه است.

۸) جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری به دلیل بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران است، بنابر گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۴ در کشورهای در حال توسعه با ۴۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۲۳۳ میلیارد دلار رسیده است که سهم جمهوری اسلامی ایران از این حجم انبوه سرمایه‌گذاری در همان سال فقط بالغ بر چهار میلیارد و ۳۲۹ میلیارد دلار بوده است. (شیخ‌عطار، ۱۳۸۵: ۱۲)

۹) ناتوانی در استفاده و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی و عدم آشنایی با شیوه‌های بازاریابی جهانی.

۱۰) ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

در جدول صفحه بعد در مورد موانع و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران توضیحات خلاصه شده‌ای قابل مشاهده است.



جدول موانع و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران

ظرفیت‌ها	موانع
۱- برخورداری از منابع طبیعی و معادن بزرگ مانند نفت و گاز	۱- بالای بودن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور به دلیل تحریم‌های اقتصادی و عدم عضویت در WTO
۲- موقعیت مناسب ایران در ترانزیت کالا و در دسترس آسان کشور به بازار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز	۲- حضور گسترده دولت در اقتصاد
۳- ظرفیت‌های موجود رشد اقتصادی در اقتصاد ایران	۳- بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی
۴- برخورداری کشور از سرمایه انسانی و نیروی کار تحصیل کرده و ماهر	۴- محدودیت‌های اعلام شده در ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و مستثنی شدن سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز و جایگزینی روش‌های تأمین مالی کشور برای حضور شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی
۵- برخورداری کشور از تأسیسات زیربنایی مناسب	۵- نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به اشتغال در ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی
۶- گسترش ابداعات، اختراعات ثبت شده و مهارت‌های نیروی کار	۶- نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به مالیات برای سرمایه‌گذاران خارجی
۷- تعداد مناطق آزاد و ویژه در کشور	۷- عدم امضای موافقت‌نامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت
۸- ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و فراهم کردن زمینه حضور بخش خصوصی در اقتصاد	۸- نامناسب بودن فضای کسب و کار در کشور
۹- وجود مناطق ویژه پتروشیمی عسلویه، پارک‌های تکنولوژی	۹- اجرای ترجیحی سیاست‌های جایگزینی واردات نسبت به سیاست‌های توسعه صادرات
۱۰- بهبود نسبی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰	

##### ۵. رویکرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

واقعیت این است که در نظام اقتصادی سیاسی جهانی بازارها، صنایع، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی ملی، بین‌المللی و فراملی کانون‌های اقتدار و اعمال‌کننده قدرت در جریان توسعه‌ی اقتصاد ملی و جهانی و تأثیرگذار بر روند تحولات سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. این امر ضرورت توجه به ایفای نقش آنها در فرایند دیپلماسی اقتصادی بیش از گذشته آشکار می‌سازد. به عنوان مثال نقش و جایگاهی که نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و یا حتی

بازارهای پولی و مالی جهانی در مدیریت و هدایت فرایند سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند ضرورت ارتباط و گسترش تعاملات با آنان را از طریق دیپلماسی اقتصادی جهت بهره‌مندی از میزان تأثیرگذاری آنان در پیشبرد اهداف و منافع اقتصادی یا غیراقتصادی ملی ارتقاء بخشیده است و این امر سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و یا حتی در بسیاری از موارد غیراقتصادی ملی کشورها با اهداف،

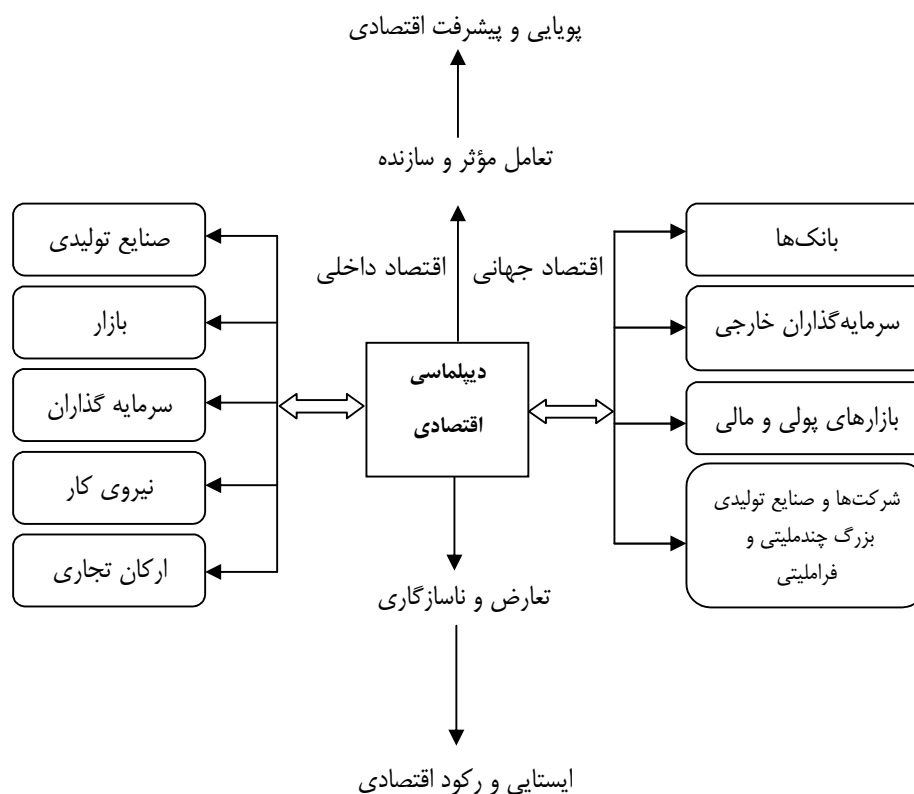
اصول و برنامه‌های این بازیگران اقتصاد جهانی را در پی دارد. (Lee, 2003: 119-120)

ارائه چشم‌اندازی مطلوب از کارکرد نظام اقتصاد ملی و برنامه‌های توسعه محور، ارتقای سطح آزادسازی اقتصاد ملی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، اولویت یافتن منافع اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی و فرهنگی به منظور تقدم منافع ملی، افزایش رفتارها و فعالیت‌های ناظر بر تعاملات دوجانبه و چند جانبه اقتصادی، ارتقاء روابط و همکاری با نهادهای مالی جهانی و منطقه‌ای در جهت بهره‌گیری از جایگاه آنان در فرایند مذاکرات و تعاملات اقتصاد جهانی همه در راستای دیپلماسی اقتصادی اهمیت پیدا می‌کنند. (ازغندی، ۱۳۸۱: ۳۲)

بنابراین دیپلماسی اقتصادی نه فقط با لحاظ نمودن محوریت اقتصاد جهانی در سیر تحولات و سیاست جهانی که منافع ملی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهند، شکل می‌گیرد، بلکه در عرصه داخلی نیز بیش از همه متأثر از قلمرو روابط و کانون‌های اقتصادی بازار است. به این معنا که عناصر ناشی از موازنه نیروهای اقتصادی داخلی (صنایع تولیدی، بازار، سرمایه‌گذاران، کارگران، ارکان تجاری و غیره) و بازیگران قدرتمند نظام اقتصاد جهانی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاران خارجی، بازارهای پولی و مالی، شرکت‌ها و صنایع تولیدی بزرگ چند ملیتی و فرا ملیتی و همچنین نحوه توزیع مازاد درآمد ملی در قوام و هدایت دیپلماسی اقتصادی نقش کلیدی دارند.

بدین ترتیب، مهم‌ترین واقعیتی که در فهم دیپلماسی اقتصادی می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد ضرورت توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان دیپلماسی و اقتصاد و نقش گسترده و فزاینده آشکار اقتصاد در هدایت دیپلماسی است. شکل زیر نشان دهنده فرایند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اقتصاد و دیپلماسی است.

شکل فرایند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اقتصاد و دپلماسی



بنابراین برای کسب موفقیت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی اتخاذ یک دپلماسی اقتصادی با ویژگی‌های زیر اجتناب ناپذیر است:

- الف. تقدم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی در جهت تأمین منافع ملی.
- ب. درک و پذیرش تحولات اقتصادی جهانی و برنامه‌ریزی در جهت سازگاری بیشتر با آن.
- پ. تبدیل چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و امنیتی به فرصت‌ها با محوریت بخشیدن به اهداف و فعالیت‌های اقتصادی.
- ت. بهره‌گیری هرچه بیشتر از ابزارها و توانایی‌های اقتصادی موجود در تعاملات دو جانبه و چندجانبه.

ث. برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی جهانی و بهره‌گیری از قدرت آنها در چانه زنی‌ها.  
ج. تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر.

حاکمیت منطق اقتصادی در سیاست خارجی، منافع جدیدی را در منطقه و جهان برای جمهوری اسلامی ایران پدید خواهد آورد و این منافع درهای جدیدی را بر روی کشور می‌گشاید در این راستا سیاست خارجی به شدت نیازمند هماهنگی و مشارکت بخش اقتصادی کشور است از همین رو تنها سیاست و امنیت نمی‌توانند ملاک‌های برنامه ریزی سیاست خارجی باشند، بلکه اقتصاد نیز می‌بایستی جایگاه کلیدی خود را در سیاست خارجی پیدا کند.

### نتیجه‌گیری

توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از منافع اقتصادی در دنیای وابستگی متقابل پیچیدگی نیازمند تعقیب روابط خارجی منطقی و مستلزم از بین بردن تنش‌های موجود در روابط خارجی و گسترش روابط دوستانه با طرف‌های تجاری از طریق گسترش هر چه بیشتر و عملیاتی کردن دیپلماسی اقتصادی است. در حالی که در اثر شکل‌گیری تهدیدات نظامی از همان ابتدای انقلاب، تحرکات و اقدامات تجزیه طلبانه در برخی از استان‌های مرزی کشور، کودتاهای نظامی ناموفق و جنگ علیه ایران، دفاع و امنیت را در صدر اهداف سیاست خارجی قرار دارد در نتیجه مقابله با این تهدیدات و تأمین امنیت و دفاع از موجودیت کشور اولویت نخست سیاست خارجی گردید و به تبع آن نیروهای مسلح در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی به ایفای نقش می‌پرداختند.

پس از پایان جنگ عراق تهدیدات نظامی علیه ایران ادامه یافت. بحرانی شدن محیط پیرامونی با تجاوز عراق به کویت و سپس جنگ نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در تابستان ۱۳۶۹، امنیت و دفاع را کماکان در کانون سیاست خارجی قرار داد. حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و سپس جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، سیاست خارجی امنیت محور را تحکیم و تقویت کرد. این امر به معنای استمرار و تداوم نقش و جایگاه نیروهای مسلح در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. از سوی دیگر اقتصاد ایران تک محصولی و کماکان نفت پایه است و بخش اعظم بودجه

کشور را درآمد ناشی از فروش نفت خام تأمین می‌کند بسیاری از طرح‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز صورت گرفته و سایر بخش‌های اقتصاد ایران در یک دامنه صفر تا صد وابسته به اقتصاد نفتی هستند و هر چقدر این وابستگی افزایش یابد قدرالسهم دولت و وزارتخانه‌های ذیربط در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی بیشتر می‌شود. در حالیکه اساس دپلماسی اقتصادی مبتنی است بر کاهش نقش دولت در اقتصاد و ارتقای سطح خصوصی سازی اقتصادی است. افزون بر این شاخص‌های اقتصاد آزاد که عبارت‌اند از: تعیین و تدوین سیاست‌های تجاری، پولی، مالی، جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، بانکها، قیمت‌ها و دستمزدها، حق مالکیت، شفافیت بازار و ... نسبتاً در دست دولت است و تا زمانی که این روند حاکم باشد نمی‌توان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دپلماسی اقتصادی که رکن اصلی توسعه همه جانبه کشور می‌تواند باشد، استفاده کرد. وانگهی تعامل سازنده که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور بر آن تأکید شده، مستلزم اعتمادسازی و داشتن یک راهبرد منسجم و اجماعی در حوزه اقتصادی ملی برای حرکت به سمت بازارهای جهانی است و این همان حلقه مفقوده‌ای است که تاکنون اقتصاد ملی را در مواجهه با تحولات اقتصاد جهانی و پویایی تجارت و جریان سرمایه آسیب‌پذیر کرده و به یمن درآمدهای کلان نفتی، کوشش برای برون رفت از آن تقریباً به بوته فراموشی سپرده شده است. رهایی از این وضعیت اسفبار و غیر قابل قبول، اصلاح ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در قانون اساسی و قوانین موضوعه و اعتماد به بخش خصوصی و رهایی از قید ملاحظات بیش از حد معقول سیاسی و امنیتی و دفاعی در عرصه سیاست خارجی است.

### منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، «جهانی شدن و سیاست‌های اقتصادی ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳، تابستان.
- امینی، آرمین و سهراب انعامی علمداری (۱۳۸۸)، «دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۸، پاییز.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸) *دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۵)، *درآمدی بر مسایل اقتصادی کشورهای جهان سوم*، نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه و تلخیص احمد ساعی، تهران: نشر علوم نوین.
- روحانی، حسن (۱۳۸۹)، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، تهران: مجتمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «جهانی شدن از دیدگاه اقتصاد سیاسی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۵، پاییز.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۵)، «همراهی دیپلماسی و اقتصاد: جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره سوم، خرداد.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۳)، «بایسته های دیپلماسی اقتصادی»، *ماهنامه برداشت اول*، سال سوم، شماره‌های ۲۱ و ۲۰.
- گنجی دوست، محمد (۱۳۸۶)، «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات»، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، سال ۲۱، شماره ۲۱۸.
- معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل (۱۳۸۲)، «ایران، دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۷، بهار.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

## English Source

- Burt, Richard (1999), Olin Rbinson, "Diplomacy in the Information Age", **Discussion Paper**, No. 58, Diplomatic Studies Program: University of Leicester.
- D. Krasner, Stephen (1978), **The Ending the National Interest**, Princeton and New Jersey: Princeton University Press.
- Lee, Donna (2003), "Endgame at the Kennedy Round: A Case Study of Multilateral Economic Diplomacy", **Diplomacy and Statecraft**, Vol. 12, No. 3.
- N. Rosenau, James (2006), **The Study of World Politics**, Vol. 2: **Globalization and Governance**, London and New York: Rutlage.
- Nozick, Robert (1987), **Anarchy, State and Utopia**, New York: Based Books Offer, Claus and Berger, D. (1974), **The Attribution of Public status to Interest Groups: Observation on the West German Case: In Suzanne, ed Organizing Interests in Western Europe**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sane, Raymond and Lichia Yia (2002), **International Economic Diplomacy: Mutations in Post Modern Times**, Klingender: Nether Lands Institute of International Relations.
- Skocpol, Teda (1984), **stat and social Revolutions**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Wallenstein, I. (1989), **The Politics of the World, Economy of the States, The Movements and the Civilization**, Cambridge: Cambridge University Press.